

طرحی از دوست

نگاهی به زندگی و آثار فیلمساز اندیشمند
عباس کیارستمی

محمد شعبانی پیرپشته

آرشنگ تروزنه

گر برود جان ما در طلب وصل دوست
حیف نباشد که دوست خویتر از جان ماست
«سعدی»

بابنامه

- ۱- مقدمه ۶
- ۲- پیشگفتار ۷
- ۳- انگیزه تحقیق ۸
- ۴- سبک نئورئالیسم و سینمای کیارستمی ۱۱
- ۵- شرح حال کیارستمی ۱۹
- ۶- بررسی فیلمهای کیارستمی ۲۷
- ۷- گفتگو ۴۱
- ۸- نقد و نظر ۱۰۵
- ۹- حضور و جوایز فیلمهای کیارستمی در جشنواره‌های سینمایی ۱۴۵
- ۱۰- نکته‌هایی از کیارستمی ۱۶۹
- ۱۱- سخن بزرگان در باب کیارستمی ۱۷۱
- ۱۲- نمایه ۱۷۳
- ۱۳- کتابنامه ۲۱۵

سبک نئورئالیسم و سینمای کیارستمی

ابتدا به پیدایش سبک نئورئالیسم و سینماگران این مکتب می‌پردازیم،
آنگاه به سینمای کیارستمی که ایشان از کدام مکتب درس آموخته است. بله.
کیارستمی اکنون در سینمای نئورئالیسم دارای اعتبار است.
آغاز سبک نئورئالیسم به سالهای قبل از ۱۹۴۵ برمی‌گردد و ظهورش
مقابله‌ای بود با اصول عقاید فاشیست.

این جنبش فرهنگی علاوه بر نجات کشور از اسارت حکومت فاشیستی
باعث بنا نهادن اصول اساسی در بنیاد فرهنگی ایتالیا شد. به سال ۱۹۴۳ برای
نخستین بار کلمه نئورئالیسم توسط *اومپر باربارو* منتقد سینمای مجله فیلم،
در باره آثار کارنه به کار برده شد.

باربارو معتقد بود که سینما را نه تنها باید با واقعیت‌های ملموس و
روزمره، بلکه آینه تمام‌نمای موقعیت جامعه درآورد.

آنتونیو پیتر آنجلی معتقد بود که سرنوشت قطعی و ریشه‌طبیعی سینما را

تنها باید در عرصه واقعیت و از آن میان ملموس ترین و نافذترین حس را در قلمرو حقیقت جست.

این همان چیزی است که ما به دنبال آن هستیم، همچون عاشقی که به شوق رسیدن به شهر یقین لحظه شماری می‌کند. کارگردانان این سبک با چنین خیالی روزگار می‌گذرانند.

باربارو در سال ۱۹۴۳ در مجله سینما به طور غیرمستقیم، بی‌آنکه با حکومت وقت در افتد، دست به انتشار بیانیه نورنالیسم زد.
مفاد بیانیه چنین است:

۱ - مرگ بر آیینهای بدوی و ساختگی که بر بیشترین تولید سینما حکمفرماست.

۲ - مرگ بر آثار تخیلی و پوچ‌گرا که انسان و مسائل انسانی را به بازی گرفته است.

۳ - مرگ بر هر سخنوری که بگوید، همه مردم ایتالیا از یک خمیره انسانی هستند و از یک احساس ناب شعله‌ور می‌شوند و همگی به یک اندازه بر مسائل زندگی اشراف دارند.

۴ - مرگ بر هر بازسازی واقعیت تاریخی و یا فیلم ساخته شده از روی رمان که براساس ضرورت سیاسی به وجود نیامده باشد.^۲

به این ترتیب نورنالیسم پا گرفت، سبکی که برای انجام حرفهای بسیار داشت و به این ترتیب کارگردانان بزرگی به عرصه ظهور رساند. کارگردانانی که هر کدام از مشاهیر سینما هستند و موفقیت آنان مرهون نگاه عمیق و ژرفی است که به زندگی گشوده‌اند.

این سبک به یکی از اصلی‌ترین مسائل زندگی می‌پردازد و با آن به گونه‌ای تنگاتنگ مواجه می‌شود «**بیان واقعیت**».

شاید لازم باشد با نگاهی به زندگی آثار سینماگران نورنالیسم، این سبک را بهتر بشناسیم، از سردمداران، ابتدا از ویتوریو دیسکا با فیلم **بچه‌ها به ما نگاه کنید** و فیلم **چهار قدم در ابر ساخته الکساندر و بلازتی** نام برد.

از کارگردانهای توانای این سبک **لوکیتو ویسکونتی** است. او فعالیت‌های هنری خود را با تئاتر شروع کرد و سپس به فرانسه رفت و در آنجا با سینما آشنا شد، وی **ژان رنوار** را در ساختن فیلمهای **اعماق اجتماعی و ضیافت روستایی** کمک کرد.

فیلم **وسوسه** ۱۹۴۶ ویسکونتی از نظر قوام و ارزش هنری بر فیلمهای فوق برتری دارد، این فیلم در طرح یکی از موضوعات نئورئالیست پیشگام بوده و وابستگی آدمیان را به محیط اجتماعی خود و طبیعت نشان می‌دهد (مسئله‌ای که بعدها در اکثر فیلمهای این سبک دیده شد).

وسوسه برای اولین بار به واقعیت معاصر ایتالیا چشم می‌گشاید و به شکلی بدیع و به دور از کلیشه‌های مصطلح، خود را در محدودیتی غم‌انگیز نشان می‌دهد.

ویسکونتی با استفاده از دکور نامنظم خانه‌های شهر، جاده‌های بیابانی، جشن‌های محلی، خوشیها و ناخوشیها، کومه‌های شنی و سد و رودخانه‌ها و فقر و گرسنگی و در مقابل از ثروت، تنها به عنوان زمینه‌ای شاعرانه بهره می‌گیرد و این همان چیزی است که ما امروزه در آثار **کیارستمی** می‌بینیم. بیان عواطف و روحيات درونی مردم در این فیلمها، نشان دادن خانه‌های کاهگلی ملایر در فیلم **مسافر** و ویرانه‌های ناشی از خشم طبیعت در فیلم **زیر درختان زیتون** به موازات محبت و پاکی مردمان این سرزمین که گوئی مکمل همدیگرند.

فیلمهای نئورئالیست بیش از هر چیز، محیط و طبیعت را با شخصیت قهرمانانش پیوند می‌دهد.

آدمهای **ویسکونتی** از دشت‌های شمال ایتالیا هستند که در آنجا زندگی می‌کنند، او زندگی دشوار و سخت آنان را به تصویر کشانده و نقطه مقابل آنها تصویر شمال ایران با طبیعت زیبا و مردم با صفا و با محبت است. به هر حال کارگردان نئورئالیست چه در قطب باشد، چه در کوه و کویر و دریا برای او فرقی نمی‌کند زیرا برای او نشان دادن حقیقت مهم است.

ما از کارگردانان نئورئالیست انتظار نداریم کویر ایران و مردمش را